

بررسی مقایسه‌ای نسل اول حقوق بشر جامعه مدنی غرب با مبانی اسلامی^۱

عباس مقتدایی، دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تهران، ایران*

چکیده

یکی از انواع نگرش و تقسیم‌بندی حقوق بشر، نگرش نسلی به حقوق بشر است. در این رویکرد سه نسل از حقوق بشر مورد شناسایی قرار می‌گیرد: ۱. نسل اول که ریشه و مبانی آن مقوله "آزادی" است. ۲. نسل دوم که این نسل‌بندی و مفاهیم آن با مفهوم "برابری" است. ۳. نسل سوم که ریشه و اساس آن بر مقوله برادری مبتنی بوده؛ بر مقایسه اومانستی استوار است و با رویکرد و نگرش اسلامی کمتر سازگاری دارد. هدف این تحقیق نقد و بررسی مواد یک تا ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، در ترازوی آیات قرآن است. روش تحقیق در این نوشته روش تحلیلی - اسنادی است.

نتایج مطالعه نشان داد که محورهای نسل اولی حقوق بشر در مواد ابتدایی تا میانه اعلامیه جهانی حقوق بشر، لزوماً با مفاهیم اسلامی سازگاری کاملی ندارد بلکه در برخی موارد سازگار و در برخی موارد ناسازگار است. به زعم نویسنده، ریشه این ناسازگاری در نگرش اومانستی حاکم بر مفاد حقوق بشری نسل اول است و اگرچه این نگرش در نسل‌های بعد نیز وجود دارد اما در نسل‌های بعدی که عمدتاً رویکردی کل‌گرایانه و جمع‌گرایانه‌تر پیدا می‌شود و از محوریت انسان فاصله گرفته می‌شود؛ سازگاری‌ها هم افزون‌تر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آیات قرآن، حقوق بشر، نگرش نسل، نسل اول حقوق بشر، مبانی اسلامی، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

^۱ این مقاله از رساله دکتری با عنوان "نقش نسل‌های حقوق بشر در عرصه روابط بین‌الملل و توافقات و تعارضات آن با مبانی اسلامی" که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات نگاشته شده، استخراج گردیده است.

مقدمه

تحولات سریع جهان در عرصه فناوری سبب شد تا مفهوم زمان و مکان در عصر حاضر دستخوش تحول اساسی شود و همین تحول زاینده بسیاری از مفاهیم در علوم انسانی شده است. علاوه بر آن، علوم اجتماعی نیز رویکردهای جدیدی پیدا نموده است؛ به گونه‌ای که مفاهیم مشترک در اجتماعات و جوامع مختلف هر روز بیش از پیش رخ می‌نماید و بر همین مبنا ارزش‌ها و مبانی مشترک بیش از پیش شکل می‌گیرد و نقاط اشتراک بشریت به جهت تفوق آدمی بر زمان و مکان بیشتر می‌شود. یکی از این مفاهیم که در دهه‌های اخیر در سطح جهانی به نقطه تمرکز اجتماعات و نظام‌های اجتماعی سیاسی تبدیل شده مفهوم حقوق بشر است. در عصر ارتباطات گسترده و پیچیده که به تعبیر مک لوهان^۱ به دهکده جهانی دست یافته ایم و به زعم بسیاری از نظریه پردازان مقوله‌ی «جهانی شدن»^۲ محقق شده است. سر فصل‌هایی در سطح نظام اجتماعی داخلی و بین‌المللی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده اند یکی از این سرفصل‌ها اهمیت و نیز حمایت جهانی از حقوق بشر است. «به گونه‌ای که در حال حاضر نزدیکی و دوری به معیارهای حقوق بشر بر حیثیت، اعتبار و پرستیژ واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل اثر مستقیم دارد.» (ذاکریان، ۱۳۸۱: ۵)

حقوق بشر یک مفهوم گسترده است که گاه به یک اشتراک لفظی تبدیل می‌شود و هریک از محیط‌های اجتماعی و یا واحدهای سیاسی برداشت و تعبیر خود را از آن ارائه می‌کنند. بررسی موضوع حقوق بشر این واقعیت را آشکار می‌سازد که اجتماعات انسانی و نظام‌های سیاسی در ابعاد و کیفیت حقوق بشر دارای نقاط اشتراک و نقاط افتراق هستند. مروری بر ادبیات حقوق بشر ما را به این نتیجه می‌رساند که: امروزه

حقوق بشر جایگاه ویژه‌ای یافته است و به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در سطح نظریه‌پردازی مورد توجه قرار گرفته و نیز در مرحله اجرا و عمل اجتماعی و سیاسی از جایگاه و موضوعیت برخوردار شده است. رویکردهای غرب ایدئولوژیک و دیدگاه‌های اسلامی در این زمینه دارای اشتراکات و افتراقات می‌باشد که تبیین این اشتراکات و افتراقات می‌تواند تفاهم فرهنگی اجتماعی و سیاسی این دو قطب فعال در عرصه نظریه‌پردازی و اجتماع‌سازی را پدید آورد. کتاب‌های متعددی توسط صاحب‌نظران مسلمان در زمینه حقوق بشر نگاشته شده نظیر «فلسفه حقوق بشر» عبدالله جوادی آملی که از کتاب‌هایی است که صرفاً به طرح دیدگاه‌های اسلامی می‌پردازد. برخی از کتب نیز مفاهیم حقوق بشری را از دیدگاه اسلام بررسی کرده‌اند. کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» مرتضی مطهری از این قبیل کتاب‌هاست. برخی از کتاب‌ها نیز به تشریح دیدگاه‌های حقوق بشر در غرب پرداخته‌اند. کتاب «حقوق بشر در هزاره جدید» ذاکریان و کتاب «نسل سوم حقوق بشر» وکیل و عسگری از زمره این کتاب‌هاست و تالیفاتی که مباحث حقوق بشر در اسلام و غرب را به صورت مقایسه‌ای بررسی کرده باشند اندک هستند. کتاب «حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب» تالیف محمدتقی جعفری از جمله مواردی است که در این ارتباط نگاشته شده است. باقرزاده (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان جهان‌شمولی حقوق بشر به مقایسه اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیدگاه اسلامی پرداخته و صرفاً اعلامیه ۱۹۴۸ را مبنای تحقیق خود قرار داده است. مودودی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان حقوق بشر در اسلام به مقایسه رویکرد غرب و اسلام پرداخته است و تمایزات این دو رویکرد را تبیین نموده است. ناصری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان سنجش بنیادهای نظری و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر با مبانی و آموزه‌های قرآنی به مقایسه دیدگاه‌های

¹ Mack lohan

² globalization

گرفته تا مفاهیم مطرح در نسل اول حقوق بشر را با دیدگاه‌های اسلامی مقایسه گردد. مفروض اصلی در این مقاله آن است که هم اسلام و هم آن چه اصطلاحاً غرب ایدئولوژیک می‌نامیم مفهوم حقوق بشر و لزوم رعایت آن را به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته‌اند. پرسش اصلی مقاله این است که: نسل اول حقوق بشر مطرح شده در نظریه‌پردازی‌های غربی که امروزه در نظامات اجتماعی و سیاسی غرب قابل رهگیری هستند، با مفاهیم و مبانی اسلامی تطابق و یا تفاوت دارند یا ندارند.

فرضیه این تحقیق آن است که: دیدگاه حقوق بشری اسلام با رویکردهای نسل اول حقوق بشر که برآمده از مفهوم آزادی انسان مبتنی بر دیدگاه‌های اومانستی غربی است متفاوت می‌باشد.

تقسیم‌بندی نسلی حقوق بشر

حقوق بشر را به اشکال مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند. نگرش نسلی به حقوق یکی از این تقسیم‌بندی‌های است. نکته‌ای که در قالب تقسیم‌بندی حقوق بشر مطرح می‌شود این است که حقوق بشر را می‌توان به سه نسل تقسیم کرد، که هر نسل اگر چه با نسل بعدی مرتبط است، اما مبانی خاص خود را دارد. «استعمال مفهوم نسل نسبت به حقوق بشر بدین مفهوم است که یک نسل کنار می‌ورد و یا یک نسل جایگزین می‌شود درحالی که برخی خصوصیات نسل‌های قبلی را حفظ می‌کند.» (وکیل، ۱۳۸۳، ۲۸) بر این اساس، سه نسل حقوق بشر عبارتند از: ۱. نسل اول؛ ۲. نسل دوم؛ ۳. نسل سوم.

اصطلاح نسل، نخستین بار توسط کارل واساک^۱، در ارتباط با حقوق بشر به کار رفت. واساک در طرح پیشنهادی خود که سال ۱۹۷۷ میلادی که برای نخستین بار در مجله‌ی یونسکو به چاپ رسید؛ از عنوان نسل‌های حقوق بشر استفاده کرد و با تکیه بر

حقوق بشری اسلام و غرب پرداخته است و از رویکردهای نظری موجود را در مطالعه تطبیقی حقوق بشر اسلام و غرب سه دسته‌بندی ارائه کرده است که رویکرد سومی که توسط نویسندگان مورد تایید قرار گرفته در تحقیق حاضر لحاظ شده است. عمید زنجانی و توکلی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام با رویکرد حقوق و اندیشه اسلامی مبحث کرامت ذاتی انسان را مورد مذاقه قرار داده و حقوق انسانی که را که دین اسلام بر آن تاکید نموده است به عنوان مبنای حقوق بشر معرفی نموده است. پور حسن و منصور (۱۳۸۸) در مقاله با عنوان بررسی مبانی اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقایسه آن با آموزه‌های قرآنی با تاکید بر آراء اندیش‌وران معاصر شیعی اندیشه‌های شهید مطهری، جوادی آملی و سایرین را مورد بررسی قرار داده و به طبقه‌بندی رویکردهای اندیشمندان اسلامی در خصوص تعارض و یا توافق میان آموزه‌های حقوق بشری پرداخته است. تلاش محقق برای دستیابی به پیشینه‌ای که با بهره‌گیری از نگرش نسلی حقوق بشر به مقایسه توافقات و تزاوجات مبانی اسلامی و غرب ایدئولوژیک پرداخته باشند بی‌نتیجه ماند و این پژوهش گامی است در جهت پر کردن خلا موجود در این زمینه. در مقاله حاضر ابتدا مفهوم نسلی حقوق بشر توضیح داده می‌شود سپس حقوق بشر نسل اول و مبانی آن بیان می‌گردد و در ادامه مفاد نسل اول حقوق بشر با مبانی اسلامی مقایسه می‌شود که برای دستیابی به این امر ماده ۱ تا ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بررسی خواهد شد.

با توجه به این که نظریه‌پردازان غربی موضوع حقوق بشر را از یک منظر با نگرش نسلی به این مقوله تشریح نموده‌اند در این مقاله با تکیه بر نظریه‌ی نسل‌های حقوق بشر که در ابتدا کارل واساک محقق مشهور حقوق بشر در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ ه.ش) آن را مطرح کرد موضوع حقوق بشر را مورد بررسی قرار

^۱ vasak karel

روند تاریخی مباحث مرتبط با حقوق بشر، سه نسل حقوق بشر را متذکر شد (ذاکریان، ۱۳۸۳: ص ۲۱۹). کارل واساک سال ۱۹۷۹ میلادی، مفهوم نسل‌های سه‌گانه‌ی حقوق بشر را در انستیتوی بین‌المللی حقوق بشر در استراسبورگ، مطرح کرد. وی ریشه‌های آن را از حقوق بشر اروپایی اخذ کرده بود که حقوق بشر اروپایی نیز به نوبه‌ی خود، از بازتاب ارزش‌های اروپایی محسوب می‌شود.

روش تحقیق

دستیابی به مقایسه رویکرد حقوق بشر غربی و اسلامی در قالب این مقاله به دو شکل انجام گرفته است:

۱- مطالعه تحلیلی-اسنادی^۱: که در آن به بررسی اعلامیه، کتاب و مقالاتی که این دو رویکرد در زمینه حقوق بشر داشته‌اند، رویکردهای آنان مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲- مطالعه مقایسه‌ای^۲: که پس از بررسی و مطالعه رویکرد غربی و اسلامی به مقایسه و ارزیابی وجوه اشتراک و تفاوت این دو رویکرد در مورد حقوق بشر پرداخته شده است.

شرحی بر حقوق بشر نسل اول و مبانی آن

هنگامی که سخن از حقوق بشر نسل اول به میان می‌آید، مقصود انواع آزادی‌هایی است که امروزه آن‌ها را در قالب حقوق مدنی و سیاسی مطرح می‌کنند. نگاهی به مفاد و مفاهیم مندرج در این حقوق، بیانگر این نکته است که حق حیات، به عنوان یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین این حقوق‌ها، به رسمیت شناخته شده است و برخی از موارد دیگر که در حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده، به اصل حق حیات و زندگی بر می‌گردد. به طور مثال منع شکنجه و منع

بردگی از جمله همین حقوق است. هم‌چنین افراد انسانی با توجه به این که حق حیات دارند، چگونگی تفکر و انتخاب مذهب برای آن‌ها به رسمیت شناخته می‌شود و در همین رابطه حق آزادی عقیده و مذهب مطرح می‌شود. افزون بر این حقوق، حق آزادی، امنیت شخصی، حق ازدواج و حق شرکت و تشکیل مسالمت‌آمیز مجامع از جمله حقوقی است که در زمره‌ی حقوق مدنی و سیاسی مطرح شده است و در اسناد حقوق بشری هم موجود است؛ نظیر منشور ملل متحد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، پیمان‌نامه‌ی حقوق مدنی و سیاسی، اولین و دومین پروتکل اختیاری الحاقی به پیمان‌نامه‌ی حقوق مدنی و سیاسی در ارتباط با به رسمیت شناختن این حقوق و چگونگی اجرایی و عملیاتی شدن آن در سطح خرد و کلان در عرصه‌ی بین‌المللی هستند. از نگاه تاریخی این حقوق که پس از جنگ جهانی دوم و با شکل‌گیری سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد و در زمره‌ی اسناد بین‌المللی، مورد تأیید و پذیرش کشورها و بازیگران عرصه‌ی بین‌المللی قرار گرفت؛ تحت عنوان نسل اول از حقوق بشر ذکر می‌کنند. به عبارت دیگر نسل اول حقوق بشر عبارت است از حقوق مدنی و سیاسی که این حقوق در مفاد ۲ و ۲۱ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مورد تصریح قرار گرفته است. اگر قرار باشد حقوق مدنی و سیاسی بیان شده در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی را احصاء و بیان نماییم، می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:^۳

^۳ این موارد از ماده ۲ تا ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر استنباط و استخراج شده است.

^۲ Analytical-Documentary Study

^۳ Comparative Study

حقوق مدنی و سیاسی (حقوق بشر) غرب، مصوب ۱۹۴۸

۱. حق بهره‌مندی از حقوق مصرح در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، بدون هیچ‌گونه تمایزی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده‌ی سیاسی و یا هر عقیده‌ی دیگر و نیز ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت و یا هر موقعیت دیگر.
۲. حق برخورداری از حقوق به رسمیت شناخته شده، بدون هیچ‌گونه تبعیض مبتنی بر وضع سیاسی، اداری، قضایی یا بین‌المللی و سرزمینی.
۳. حق حیات.
۴. حق آزادی
۵. حق امنیت
۶. حق تحت تسلط به عنوان برده قرار نگرفتن
۷. حق عدم شکنجه و یا رفتارهای ظالمانه و خلاف شئون بشری
۸. حق برخورداری از شخصیت انسانی
۹. حق قرار گرفتن در حمایت قانون
۱۰. حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه
۱۱. حق توقیف، حبس یا تبعید نشدن به صورت خودسرانه و توسط مراجع غیرقانونی
۱۲. حق بهره‌مندی از دادگاه مستقل، بی‌طرف، منصفانه و علنی
۱۳. اصل براءت و این‌که هر فردی حتی اگر متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب می‌شود، تا زمانی که یک دادگاه صالح، جرم را به اثبات برساند
۱۴. عطف به ماسبق نشدن قوانین مرتبط با جرم‌ها، به این معنا که انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل، به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی، جرم شناخته نمی‌شده است، باعث محکومیت افراد نخواهد شد
۱۵. حق برخورداری از آزادی در امور زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت‌گاه و مکاتبات و این‌که مداخله‌های خودسرانه در خصوص این امور، در ارتباط با افراد انجام نشود
۱۶. حق حمایت قانونی در زمینه شرافت و اسم و رسم و این‌که نباید شرافت و اسم و رسم افراد مورد حمله قرار گیرد
۱۷. حق عبور آزادانه در داخل کشورهای دیگر و یا محل اقامتی که فرد برای خود مشخص کرده است
۱۸. حق بازگشت به وطن، در صورتی که فرد وطن خود را از قبل ترک کرده باشد
۱۹. حق پناهنده شدن، به این معنا که چنانچه تعقیب، شکنجه یا آزاری در مورد شخص صورت گیرد، فرد از حق پناهنده شدن به محلی امن برخوردار باشد
۲۰. حق برخورداری از تابعیت
۲۱. حق زناشویی، بدون محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب
۲۲. حق برابری زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج
۲۳. حق ازدواج با رضایت کامل و به صورت آزادانه
۲۴. حق خانواده در برخورداری از حمایت دولت و جامعه
۲۵. حق بهره‌مندی از مالکیت و به رسمیت شناخته شدن آن

۲۶. حق آزادی فکر، وجدان، مذهب و حق بهره‌مندی از آزادی تغییر مذهب، عقیده یا اظهار عقیده
۲۷. حق آزادی عقیده و بیان، بدون هرگونه بیم و اضطراب
۲۸. حق بهره‌مندی از تشکیل مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز
۲۹. حق مشارکت در اداره‌ی امور اجتماعی کشور و سرزمین خود، به صورت مستقیم یا به واسطه‌ی انتخاب نماینده
۳۰. حق قرار گرفتن در مشاغل عمومی کشور
۳۱. حق شرکت آزادانه در انتخابات، به صورت ادواری، با بهره‌مندی از رأی مخفی.

المللی ما نیز در این مقاله نسل اول حقوق بشر را بر مبنای مفادی که در این اعلامیه مطرح شده است؛ مورد بررسی قرار داده، مفاد مطرح در آن را بند به بند مورد تحلیل قرار داده و آن را با مبانی اسلامی مقایسه کرده ایم تا مشخص شود که مفاهیم این نسل حقوق بشر تا چه حد با مفاهیم اسلامی همخوانی و ناهم‌نگی و ناهمگونی دارد. لازم به یادآوری است که بر اساس تحقیقاتی که نگارنده داشته است؛ بیشترین اختلاف و ناهمگونی در عرصه حقوق بشر نسلی با مبانی اسلامی، مربوط به همین نسل اول حقوق بشر است.

بررسی مقایسه‌ای نسل اول حقوق بشر مطرح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر با مبانی اسلامی

۱- بررسی ماده

بند اول

آیه‌ای که به طور دقیق همین مفهوم را بیان کرده باشد؛ وجود ندارد. اما روایتی از پیامبر اسلام وجود دارد که به افراد فرمان داده شده است که زیردستان خود را همانند خودشان بدانند:

ملاحظه می‌شود که در نسل اول حقوق بشر، این قبیل حقوق به عنوان حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده‌اند و از آن‌جا که این حقوق، جنبه جهانی و بین‌المللی پیدا کرده و در قالب اسناد حقوق بشری و یا ساز و کارهای بین‌المللی برای رعایت حقوق بشر نیز آمده است؛ بنابراین این قبیل حقوق، حقوق نسل اول قلمداد شده‌اند، زیرا از نظر تقدم در تصویب اطلاعیه‌ها و یا اسناد بین‌المللی در اولویت قرار دارند. البته برخی از حقوق دیگر نیز ممکن است از نظر رتبه و زمان تصویب، هم‌شان و هم‌رتبه با حقوق نسل اول باشند، منتها چون این حقوق، پایه و اساس قرار گرفته‌اند و ابتدا مورد توجه بوده‌اند، آن‌ها را حقوق نسل اول نام‌گذاری کرده‌اند و سایر حقوق را در نسل‌های بعدی جای داده‌اند. مقایسه مربوط به مفاد حقوق بشری موجود در عرصه بین‌المللی و اسلامی (که به بخشی از آن در جدول فوق اشاره گردید) نیازمند تشریح و بررسی مبسوط است که در ادامه صورت می‌گیرد.

مقایسه مفاد نسل اول حقوق بشر با مبانی اسلامی

با توجه به اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و مبنا قرار گرفتن آن در سطح بین

در این ارتباط می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که اگر چه نوع نگاه اسلام با نگاه حاکم بر اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر متفاوت است اما تا حد بسیار زیادی میان این دو دیدگاه توافق وجود دارد و تزاوجات زیادی نیست.

۲-۱ بند دوم، سوم و چهارم

«یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوبًا و قبائل لتعارفوا إنا أکرّمکم عند الله أتقاکم إنّ الله علیکم خبیر» «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است» (حجرات، آیه ۱۳)

از دیدگاه اسلامی، حیثیت، کرامت و حقوق همه‌ی افراد جدای از نژاد، جنسیت و نظایر آن از ارزش برابری برخوردار است و البته تفاوت‌ها و امتیازات تا حد زیادی جنبه‌ی معنوی و غیر قابل اندازه‌گیری با معیارهای مادی دارد. آیه‌ی «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیبات و فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلًا» «ما آدمی‌زادگان را گرمی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (اسراء، آیه ۷۰) و آیه‌ی «و من آیاته خلق السّماوات و الأرض و اختلاف ألستکم و ألوانکم إنّ فی ذلک لآیاتٍ للعالمین» «و از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های

«إخوانکم جعلهم الله تحت أیدیکم فمن کان أخوه تحت یدیه فلیطعمه ممّا یأکل و لیکسه ممّا یلبس و لا یکلفه ما یغلبه»

«برادرانتان را خدا زیردستان شما قرار داده است پس هر که برادرش زیردست اوست از همان طعام که می‌خورد به او بدهد و با همان لباس که خود می‌پوشد او را بپوشاند و کاری که بیش از طاقت او باشد به او وا نگذارد.» (ورام، ۱۳۷۶: ص ۵۸)

ملاحظه می‌شود که اصل آزادی ذاتی انسان در برابر انسان، در اسلام مورد پذیرش قرار گرفته است. بررسی این موضوع در کتاب‌های فقهی، بیان‌گر این واقعیت است که حتی طرح مباحثی نظیر برده‌داری از جهت اعتقاد به برده‌داری نیست، زیرا «اسلام برده گرفتن ابتدایی را فقط به اسرای جنگ بین مسلمین و کفار محدود کرد که البته در روزگاری که امکان ساخت زندان وجود نداشت و حکومت نیز توانایی مالی برای نگهداری اسرا نداشت از بین ۳ گزینه‌ی آزادی اسرای کفر یا قتل آنان و یا بردگی آنان، اسلام گزینه‌ای را برگزید که از سویی نقض غرض مبارزه با کفر نشود و از سوی دیگر منجر به کشتار اسرا نشود و زمینه‌ی تربیت آنان در جامعه‌ی اسلامی را فراهم آورد» بر این مبنا نوع نگاه به بردگان نیز متفاوت می‌شود. (کلانتر، ۱۳۹۸: ص ۲۲۶-۲۲۷)

این بدان معناست که جامعه می‌تواند افرادی را که نیاز است در کانون‌های تربیت و اصلاح نگه‌داری شوند به دست سایر افراد جامعه بسپارد و پس از مدتی این افراد تربیت شده، آزادی خود را به دست آورند. به بیان دیگر مبارزه‌ی گام به گام با برده‌داری هم محقق می‌شود.

شماست، در این نشانه‌هایی است برای عالمان!» (روم، آیه ۲۲) و آیاتی دیگر نیز همین مطالب را تأیید می‌کنند.

بر این اساس بند ۲، ۳ و ۴ ماده‌ی ۱ با مبانی اسلامی توافق دارد و اگر چه می‌توان تعارضاتی را بر شمرد اما این قبیل تعارضات اندک است.

۳-۱ بند پنجم

از دیدگاه اسلامی این اصل، نیز پذیرفته شده است؛ زیرا آیات متعددی از قرآن افراد را به استفاده از عقل و تعقل دعوت کرده است به طور مثال آیه‌ی «یا اهل الکتاب لم تحاجون فی ابراهیم و ما أنزلت التوراة و الإنجیل إلیا من بعده أفلا تعقلون» «ای اهل کتاب! چرا درباره‌ی ابراهیم، گفتگو و نزاع می‌کنید (و هر کدام، او را پیرو آیین خودتان معرفی می‌نمایید)؟! در حالی که تورات و انجیل، بعد از او نازل شده است! آیا اندیشه نمی‌کنید؟!» ملاحظه می‌شود که این آیه از مخالفین نیز دعوت کرده است تا بیاندیشند. در آیات قرآن واژه‌ی «العقل» (آل عمران، آیه ۶۵) (و نه مفاهیم مترادف و مشابه آن) ۴۰ بار به کار رفته است. (خرمشاهی و فانی، ۱۳۷۶: ص ۲۷۴)

بنابراین این اصل با مبانی اسلامی توافق دارد.

۴-۱ بند ششم

در آیات قرآن نیز لزوم رفتار برادرانه مورد تأکید قرار گرفته است. البته در دیدگاه اسلامی میان مؤمنان و غیر مؤمنان تفاوت قائل شده است. از جمله آیه‌ی «محمّدٌ رسول الله و الذین معه أشدّاء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود ذلک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الإنجیل کزرعٍ أخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزرّاع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرةً و أجراً عظیماً» «محمد فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند، پیوسته آن‌ها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند، نشانه‌ی آن‌ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد، این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده‌ی آمرزش و اجر عظیمی داده است.» (فتح، آیه ۲۹) همین نکته را بیان می‌دارد. باید توجه داشت که در مجموع، دیدگاه اسلامی موافق وجود روحیه‌ی برادرانه در میان ابناء بشر است و تعاون، همکاری، پرهیز از جنگ و ملزومات آن را در موارد متعددی متذکر شده است. در مجموع می‌توان گفت این بند از ماده‌ی ۱، هم دارای توافق است و هم دارای تزامم.

۲- ماده دوم

۱-۲ بند یکم

این موضوع که نژاد، رنگ، جنس، زبان، میزان ثروت، وضعیت و موقعیت اجتماعی، مکان ولادت، ملیت و

بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید (و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید!)» (عنکبوت، آیه ۵۶). این آیه و آیات مشابه دیگر نظیر آیه ۹۷ سوره نساء بیانگر همین واقعیت است که مرزهای عقیدتی و فضاهایی که در آن، ابراز عقیده و آزادی عبادی و دینی بر مبنای معیارها و ملاک‌های اسلامی بیشتر باشد، آن مکان برای سکونت و برای حیات، سزاوارتر شمرده شده است.

بنابراین، بند ۲ ماده‌ی ۲ با اندیشه‌ها و فضای حاکم بر دیدگاه‌های اسلامی تزامنی ندارد.

۳- ماده‌ی سوم

۳-۱ - بند یکم

حق حیات و زندگی در اندیشه‌ی اسلامی به رسمیت شناخته شده است و گرفتن حیات دیگران نیز به عنوان گناهی نابخشودنی محسوب می‌شود. آیات متعددی این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند. در آیه‌ی «من أجل ذلك كتبنا على بنی اسرائیل أنه من قتل نفساً بغير نفس أو فساداً فی الأرض فکأنما قتل النّاس جميعاً و من أحيها فکأنما أحيأ النّاس جميعاً و لقد جاءتهم رسلنا بالبینات ثم إن کثیراً منهم بعد ذلك فی الأرض لمسرفون» «به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی انسان‌ها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است. و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آوردند، اما بسیاری از آن‌ها، پس از آن در

امثال آن، نمی‌تواند مبنایی برای امتیازات و بهره‌مندی از مواهب باشد، به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. البته در این زمینه، مذهب و عقاید دینی مستثنی است، اما در خصوص سایر موارد می‌توان به آیه‌ی «و من آیاته خلق السّمآوات و الأرض و اختلاف ألسنتکم و ألوانکم إنّ فی ذلك لآیاتٍ للعالمین» «و از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست در این نشانه‌هایی است برای عالمان!» (روم، آیه ۲۲) و نیز آیه‌ی «یا أيّها النّاس إنّنا خلقناکم من ذکرٍ و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إنّ أکرّمکم عند الله أتقاکم إنّ الله علیمٌ خبیرٌ» «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است!» (حجرات، آیه ۱۳) اشاره نمود.

بنابراین غیر از عقاید دینی و مذهبی، سایر موارد، هیچ‌گونه تزامنی با اندیشه‌های اسلامی ندارد.

۲-۲ بند دوم

تبعیض از دیدگاه اسلامی پذیرفته نیست، به خصوص در اندیشه‌های اسلامی، بیش‌تر از آن‌که موقعیت سرزمین و مرزهای جغرافیایی خاص مطرح باشد، مرزهای فکری حاکم است. به همین جهت در اندیشه‌ی دینی مبحث امت مطرح می‌شود که در امت، مقولاتی نظیر مرزهای جغرافیایی و ساختارهای سیاسی رنگ کمتری دارند و افراد، فراتر از سرزمین‌هایشان مورد توجه می‌باشند. آیه‌ی «یا عبادی الذّین آمنوا إنّ أرضی واسعةٌ فإیّای فاعبدون» «ای

روی زمین، تعدی و اسراف کردند.» (مائده، آیه ۳۲) به این نکته اشاره دارد که کشتن یک نفر آن قدر قبیح است که به اندازه‌ی کشتن همه‌ی مردمان روی زمین قلمداد می‌شود و مجرمانه است. بنابراین حق حیات و زندگی به رسمیت شناخته شده و حتی کسانی که از نظر مادی و ظاهری، اولیای فرد دیگر محسوب می‌شوند نیز حق گرفتن حیات از فرد را ندارند.

۳-۲ - بند دوم

حق آزادی همان‌گونه که در ماده‌ی ۱ نیز به آن اشاره نمودیم، به رسمیت شناخته شده است و روایات متعددی وجود دارد که از خلال آن می‌توان به لزوم احترام به آزادی افراد پی برد که در بند ۱ ماده‌ی ۱ به توضیح و تشریح آن پرداخته شد.

۳-۳ - بند سوم

در اصل مقوله‌ی امنیت، چه امنیت شخصی، چه امنیت عمومی، شهرها و سرزمین‌ها در اندیشه‌ی اسلامی به عنوان یک ارزش محسوب می‌شود. آیه‌ی «و إذ قال إبراهيم رب اجعل هذا البلد آمناً واجنبني و بنی أن نعبد الأصنام» (به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر [مکه] را شهر امنی قرار ده! و من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور نگاه دار!» (ابراهیم، آیه ۳۵) و آیات دیگر نظیر آیه‌ی ۹۷ سوره آل عمران نیز بیان‌کننده‌ی همین مطلب است. ملاحظه می‌شود که امنیت شخصی در ابعاد مختلف می‌تواند به عنوان یک ارزش محسوب شود. روایت‌های متعددی نیز وجود دارد که روشن‌کننده همین معنا است.

۴- ماده‌ی چهارم

۴-۱ - بند یکم

پیش‌تر توضیح داده شد که روح اسلام و مبانی اندیشه‌ی اسلامی با اسارت و بندگی سازگار نیست. البته این بدان معنا نیست که در کتاب‌ها و مبانی فقهی نتوان موضوعات در ارتباط بردگی را یافت، بلکه در بسیاری از متون فقهی، موضوع برده‌داری مورد بررسی قرار گرفته است، زیرا برده‌داری در اصل پیش از اسلام، در روند زندگی اجتماعی افراد و جوامع، وجود داشته و دیدگاه اسلام نسبت به آن با توجه به اقتضائات خاص زمانی، تبیین و تشریح شده است. در مجموع، همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، نوع بردگی و بنده قرار دادن افراد، به عنوان یک ضد ارزش از دیدگاه اسلامی تلقی می‌شود.

به طور مثال آیه‌ی «و تلك نعمةٌ تمنّها علی أن عبّدت بنی اسرائیل» «آیا این متنی است که تو بر من می‌گذاری که بنی‌اسرائیل را برده‌ی خود ساخته‌ای؟!» (شعراء، آیه ۲۲) بیانگر این واقعیت است که برده و بنده قراردادن افراد به عنوان یک ضد ارزش محسوب می‌شود. بنابراین این بخش از اعلامیه نیز با مفاد و مبانی اسلامی تراحمی ندارد.

۵- ماده‌ی پنجم

۵-۱ - بند یکم

این امر که شکنجه یکی از ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌ها محسوب می‌شود، در اصول اسلامی و قرآن پذیرفته شده است. شکنجه که منتهای آن می‌تواند به مرگ ختم شود و یا حتی، بسیار کم‌تر از آن، مورد توجه بوده و مغایر اندیشه‌های اسلامی است. آیه‌ی

«قال آمتم له قبل أن أذن لكم إنه لكبيركم ألدی علمکم السحر فلاقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلافٍ و لأصلبکم فی جذوع النخل و لتعلمن أننا أشدّ عذاباً و أبقى» « (فرعون) گفت: «آیا پیش از آن که به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟! مسلماً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است! به یقین دست‌ها و پاهایتان را به طور مخالف قطع می‌کنم و شما را از تنه‌های نخل به دار می‌آویزم و خواهید دانست مجازات کدام‌یک از ما دردناک‌تر و پایدارتر است!» (طه، آیه ۷۱) بی‌اگر این نکته است که از دیدگاه اسلامی، شکنجه‌گری به عنوان ویژگی حکومت‌های نامطلوب محسوب می‌شود. هم‌چنین در اندیشه‌های اسلامی، حتی توهین به قصد اذیت و آزار نیز، نوعی شکنجه و ضد ارزش محسوب می‌شود.

حضرت علی (علیه السلام) در یکی از جنگ‌ها، خطاب به یارانش توصیه کرد: «جنگ با آنان را آغاز نکنید، تا آن‌که آنان آغاز کنند. پس چون با آنان مقاتله کردید، هیچ مجروحی را به قتل نرسانید و چون شکستشان دادید، هیچ فرد در حال فرار را نکشید و هیچ کشته‌ای را مثله نکنید و چون به خانه‌های آنان رسیدید، هیچ پرده‌ای را نگشایید و به هیچ خانه‌ای وارد نشوید و از اموالشان چیزی برنگیرید و زنی را با آزار دادن، تحریک نکنید، هر چند که نوامیستان را شتم کنند و امرا و صاحبان را دشنام دهند.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ص ۸۷).

بر این مبنا، این بند تراحمی با مبانی اسلامی ندارد.

براساس دیدگاه‌های اسلامی، اگر چه اصل مجازات، همانند بسیاری از مکاتب حقوقی و سیاسی، به رسمیت شناخته نشده است، اما مجازات افراد بی‌گناه، به طور قطع به عنوان یک ضد ارزش محسوب می‌شود و صرفاً مجازات‌هایی که در چارچوب قانون قرار دارند، به رسمیت شناخته شده است و حتی در مبانی فقهی، تطابق جرم و مجازات نیز در بخش‌های متعددی مطرح شده است. آیه‌ی «من اهتدی فإنما یهدی لنفسه و من ضلّ فإنما یضلّ علیها و لا تزر وازرةٌ وزر آخری و ما کنّا معذبین حتی نبعث رسولاً» هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است و هیچ‌کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آن‌که پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند.)» (اسراء، آیه ۱۵) و آیات دیگری نظیر آیه‌ی ۷ سوره طلاق نیز بیان‌کننده‌ی همین قاعده هستند.

از سوی دیگر، «اسلام اصل برائت را از طریق قاعده‌ی درا و قبح عقاب بلا بیان، جاری ساخت. به موجب این اصل، انسان‌ها از مصونیت و تأمین اجتماعی کافی برخوردار شدند ... این اصول نه تنها در مدافعات معمولی، بلکه آن‌جا که عرصه‌ی حقوق الله است نیز، کاربرد بسیار مؤثر و عملی دارد، به حدی که حتی با تحقق شبهه و تردید اجرای احکام الهی، یعنی حدود نیز، تعطیل می‌شود.» (محقق داماد، ۱۳۸۱: ص ۶)

بنابراین این بندها نیز با مبانی اسلامی تراحمی ندارد.

۲-۵ - بند دوم

۶- ماده‌ی ششم

۱-۶ - بند یکم و دوم

۷- ماده‌ی هفتم

۷-۱ - بند یکم، دوم، سوم، چهارم و پنجم

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که موضوع قانون، حکم و امور قضایی را مطرح کرده است. آیه‌ی «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِن جَاءوك فاحكم بينهم أو أعرض عنهم و إن تعرض عنهم فلن يضروك شيئاً و إن حكمت فاحكم بينهم بالقسط إن الله يحب المقسطين» «آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند، مال حرام فراوان می‌خورند پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی‌رسانند و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد!» (مائده، آیه ۴۲) بیانگر این واقعیت است که حوزه‌ی عدالت و گستردن عدالت، بسیار مورد توجه دین اسلام است و همین امر روشن‌کننده این واقعیت است که مفاد و بندهای این اعلامیه می‌توانند به خوبی تحت تعلیمات این قبیل آیات، قرار گرفته و تضاد و تعارضی موجود نیست. هم‌چنین آیات دیگری نظیر آیه‌ی ۱۳۵ سوره نساء و آیه‌ی ۱۵۲ سوره بیانگر همین مفهوم هستند که نباید تبعیض در میان افراد، در ارتباط با قانون وجود داشته باشد، حتی اگر افراد مورد نظر، از بستگان و متعلقان قاضی و کسی که در جایگاه قضا قرار گرفته است، باشند.

۸- ماده‌ی هشتم

از دیدگاه اسلامی افراد، حقوقی دارند که چنانچه این حقوق توسط سایرین و یا حتی متولیان امور اجتماع و

اصولاً دیدگاه اسلام در خصوص اشخاص، این است که همه‌ی اشخاص از هويت قابل احترامی برخوردارند، مگر کسانی که از راه اصلی و اساسی و اهداف خلقت دور شوند. آیه‌ی «قال ربنا أَلذی أعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی» «گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه‌ی آفرینش او بوده داده سپس هدایت کرده است!» (طه، آیه ۵۰)؛ هر چیزی را دارای خلقت و هدایت معنا می‌کند. بر این اساس می‌توان حتی در حوزه‌های غیر جانداران هم این مفهوم را سرایت داد. بنابراین از این دیدگاه، هر فرد می‌تواند شخصیت حقوقی خودش را داشته باشد که لازم است در مسیر هدایت قرار گیرد.

هم‌چنین در این زمینه، فرقی نمی‌کند که افراد، چه دین، مرام و یا فرهنگی داشته باشند، بلکه صرف این‌که انسان هستند، از حقوقی نیز بهره‌مند می‌شوند. البته این بدین معنا نیست که افراد مؤمن، شایستگی‌های بیشتری ندارند، بلکه این‌جا بحث بر سر این است که هر فردی شخصیت حقوقی‌اش به رسمیت شناخته می‌شود. امام علی علیه السلام در نامه‌ی خود به مالک اشتر چنین نوشته‌اند: «و لا تکون علیهم سبغاً ضارياً» «هم‌چون گرگ خون‌آشام نسبت به مردم ستم نکن، زیرا مردم بر دو گونه‌اند: یا برادر دینی تواند و یا همسان تو در آفرینش.» (نهج البلاغه نامه ۵۳).

پس ملاحظه می‌شود که شخصیت حقوقی همه‌ی افراد به رسمیت شناخته شده است. اگر چه می‌توان از زوایای مختلفی به این مبحث نگریست اما در آن توافق وجود دارد و اگر تزامنی وجود داشته باشد، تزامنی اندک است.

حکومت نقض شود، می‌تواند حق خویش را مطالبه کنند. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَاؤُنَا قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا، حق گفتن را بر پای خیزید و به عدل گواهی دهید. دشمنی با گروهی دیگر وادارتان نکند که عدالت نوزید. عدالت ورزید که به تقوی نزدیکتر است و از خدا بترسید که او به هر کاری که می‌کنید آگاه است.» (مائده، آیه ۸) مسلمانان را به اجرای عدالت دعوت می‌کند، بنابراین بر اساس منابع دینی، تزامنی میان این ماده و مبانی اسلامی وجود ندارد.

موارد یاد شده در ماده‌ی ۹، از جمله مصادیقی است که توسط حکومت‌های ظالم در ارتباط با افراد صالح، انجام می‌شود. لذا مفاد این قبیل آیات، از جمله آیه‌ی «قال فرعون أمتهم به قبل أن أذن لكم إنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» «فرعون گفت: آیا پیش از آنکه من به شما رخصت دهم به او ایمان آوردید؟ این حيله‌ای است که درباره این شهر اندیشیده‌اید تا مردمش را بیرون کنید. به زودی خواهید دانست.» (اعراف، آیه ۱۲۳) این قبیل ویژگی‌ها را از ویژگی‌های حکومت فرعون بر می‌شمرد. بنابراین مفاد ماده‌ی ۹ با مبانی اسلامی تزامنی ندارد.

۹- ماده‌ی نهم

در اندیشه‌ی اسلامی و بر اساس قرآن، توقیف خودسرانه، حبس خودسرانه و تبعید خودسرانه، برای این‌که افراد، طریق غیر حق نامطلوب را بپیمایند و به آن گروه گردن نهند، به عنوان ویژگی‌های نامطلوب نام برده شده است و این قبیل ویژگی‌ها در ساختار حکومت فرعون‌ی که حکومت نامطلوب قرآن است، جایگاه دارد، اما در حکومت مطلوب دینی، «یا عبادِی الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّاي فَاعْبُدُونِ» «ای بندگان من که به من ایمان آورده‌اید، زمین من فراخ است، پس تنها مرا بپرستید.» (عنکبوت، آیه ۵۶) و آیه‌ی ۹۷ سوره نساء نیز بیانگر این واقعیت است که افراد، خود می‌توانند در محل‌هایی که احساس می‌کنند نمی‌توانند رشد لازم داشته باشند، نمانند و به مکان‌های دیگر بروند، اما در هر صورت با توجه به این‌که آزادی انتخاب اقامتگاه وجود دارد، با این حال

۱۰- ماده‌ی دهم

با توجه به اینکه اقامه‌ی قسط، برقراری عدالت و گسترش و برخورداری افراد از آن، پذیرفته شده است؛ بنابراین بندهای ماده‌ی ۱۰، تزامنی با اندیشه‌های اسلامی ندارد.

۱۱- ماده‌ی یازدهم

بندهای ماده‌ی ۱۱، نکات متعددی را مطرح می‌کند، اما با توجه به این‌که بخشی از این بندها، در ارتباط با اصل برائت و برخی، بیانگر اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تناسب بین جرم و مجازات است و برخی نیز، عقاب بلا بیان را مطرح نموده؛ می‌توان این‌گونه استنباط کرد که همه‌ی این موارد، با مفاد مندرج در این موارد، دارای تزامنی نیست، بلکه بسیاری از موارد، نیز توافق وجود دارد.

از جمله آیاتی که می‌توان در این ارتباط به آن استناد نمود، آیه‌ی «هر که هدایت شود به سود خود هدایت شده و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه شده است و هیچ کس بار دیگری را بر ندارد و ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم تا آن گاه که پیامبری بفرستیم.» (اسراء، آیه ۱۵) و آیه‌ی «هر مالدار از مال خود نفقه دهد، و کسی که تنگدست باشد، از هر چه خدا به او داده است نفقه دهد. خدا هیچ کسی را مگر به آن اندازه که به او داده است مکلف نمی‌سازد، و زود باشد که خدا پس از سختی آسانی پیش آورد.» (طلاق، آیه ۷) است.

همچنین آیات دیگری وجود دارد که لزوم قضاوت عادلانه را یادآوری کرده است. از جمله آیه‌ی «ای داود، ما تو را خلیفه روی زمین گردانیدیم. در میان مردم به حق داوری کن و از پی هوای نفس مرو که تو را از راه خدا منحرف سازد. آنان که از راه خدا منحرف شوند، بدان سبب که روز حساب را از یاد برده‌اند، به عذابی شدید گرفتار می‌شوند.» (ص، آیه ۲۶)

این آیات بیانگر این واقعیت هستند که رسیدگی به اتهامات، باید در دادگاه صالح انجام شود. اصل، برائت است و جرم و مجازات باید با یکدیگر تطابق داشته باشد. بر این مبنا، این‌گونه استنباط می‌شود که مفاد ماده ۱۱ با مبانی اسلامی تزامنی ندارد.

۱۲- ماده دوازدهم

ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هشت موضوع را مطرح کرده است که هر یک را به تفکیک، با آیات قرآن مورد انطباق قرار داده شده است. در بند اول این ماده، زندگی خصوصی افراد به عنوان بخشی از حقوق

اساسی آنها به رسمیت شناخته شده است. در این رابطه، آیاتی از قرآن، قابل یادآوری است که مفاد این مفهوم را به عنوان یک اصل، مورد پذیرش قرار می‌دهد. از جمله آیه ۱۲ سوره حجرات: «و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً» «و در کارهای پنهانی یکدیگر جست و جو نکنید و از یکدیگر غیبت نکنید» (حجرات، آیه ۱۲)

ملاحظه می‌شود که بر این اساس، افراد از تعرض سایر افراد به حریم خصوصیشان، محافظت می‌شوند. در بند دوم این ماده، بیان شده امور خانوادگی افراد، به خودشان مربوط است و نباید مداخله‌های خودسرانه در آن صورت گیرد که این امر نیز با توجه به آیه قبلی، قابل توجیه است. البته در اینجا تفاوت‌هایی بین نگرش اسلامی با نگرش حاکم بر اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد، زیرا مقوله ای به نام امر به معروف و نهی از منکر در دیدگاه اسلامی به رسمیت شناخته شده است که با بررسی مفاد مندرج در آیات قرآن، به این جمع بندی می‌رسیم که امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان شأنی از شؤونات اجتماعی، مورد پذیرش قرار گرفته و منافاتی با مفاد مندرج در بند ۱ و بند ۲ این ماده ندارد.

البته این مبحثی است که می‌تواند به سازندگی هر چه بیشتر اجتماع منجر شود و نوعی ضمانت اجرایی دائمی برای سلامت جامعه تعبیر و تلقی شود. بنابر این در این خصوص، اگر چه تزامنی وجود ندارد، اما تفاوت‌هایی بین دیدگاه اسلامی و دیدگاه حاکم بر اعلامیه حقوق بشر وجود دارد.

سومین بخش مطرح شده در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آن است که اقامتگاه افراد و انتخاب آن، از

خودسرانه، مکاتبات را تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع نیز می‌تواند به عنوان بخشی از آنچه در قسمت ابتدایی این ماده به آن اشاره کردیم، قرار گرفته و با همان توجیه و تشریح، شرح داده شود. بنابراین تراحمی میان این بخش از ماده ۱۲ و مبانی قرآنی وجود ندارد.

پنجمین نکته‌ی ای که از ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر قابل استخراج است؛ این است که شرافت افراد، به عنوان یک اصل، پذیرفته شده است و همچنین به عنوان ششمین و هفتمین نکته قابل استخراج از این ماده، می‌توان به موضوع آبروی افراد و محترم بودن آن و نیز عدم تهاجم به شهرت افراد، اشاره کرد. این موضوعات نیز در آیاتی از قرآن قابل رهگیری است:

«یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» «ای مردم، ما شما را از نری و ماده‌ای بیافریدیم و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. هرآینه گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست». (حجرات، آیه ۱۳)

اگر موضوع کرامت مطرح شده در این آیه یا آیه: «و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» «ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم» (اسراء، آیه ۷۰) را به عنوان مترادفی برای حیثیت ذاتی و شرافت انسان‌ها برداشت کنیم، این‌گونه باید مطرح کرد که از یکسو افراد، به عنوان کسانی که دارای حیثیت ذاتی و شرافت و کرامت انسانی هستند، مد نظر قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر برخی بر برخی دیگر، برتری و رجحان می‌یابند. بنابراین در این دیدگاه، موضوع فضیلت و کرامت ارزشی در ارتباط با برخی انسان‌ها، در مقایسه با

حقوقی است که افراد از آن برخوردارند و نباید مداخله‌های خودسرانه، مانع از این انتخاب شود. این مبحث توسط دیدگاه قرآنی مورد توجه قرار گرفته است. آیه‌ای وجود دارد که این حق و به عبارت دیگر، این توصیه به افراد شده است که خود را محدود به سرزمینی خاص نکنند و در مکان‌هایی سکونت کنند که امکان پیشرفت‌های بیشتر و رشد بیشتر برای آنها وجود داشته باشد: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا» «آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟» (نساء، آیه ۹۷)

همچنین آیات دیگری در این زمینه وجود دارد از جمله آیه ۵۶ سوره عنکبوت و نیز آیه ۱۰ سوره زمر که با بررسی مفاهیم آنها مشاهده می‌شود تراحمی میان این بخش از ماده ۱۲ با دیدگاه‌های اسلامی وجود ندارد. البته نکته‌ای ظریف در این میان وجود دارد که در دیدگاه اسلامی، افراد از اینکه در درون جامعه‌ای غیر صالح قرار بگیرند و جامعه‌ای که زمینه رشد و پیشرفت مادی و معنوی آنها را فراهم نمی‌سازد، نهی می‌شوند و همین دیدگاه‌های قرآنی دلیلی بر همین نکته است که افراد نباید در فضاهایی که از دیدگاه اسلامی، فضاهای غیر سالم است، قرار گیرند. بنابراین در این بخش، اختلاف دیدگاه میان نگرش اسلامی و نگاه حاکم بر اعلامیه جهانی حقوق بشر مشاهده می‌شود، اما در مجموع، تراحمی بین این مفاد مطرح شده در اعلامیه و دیدگاه‌های اسلامی وجود ندارد.

نکته دیگری که در بخش چهارم این ماده می‌توان به آن اشاره نمود، آن است که مکاتبات افراد، امور شخصی آنها محسوب می‌شود و نباید مداخله‌های

و نقض حقوق بشر و امثال آن مبارزه کرد؛ گویای این واقعیت است که نواقصی در این حوزه وجود دارد که البته برخی دیگر از محققین و پژوهشگران این حوزه، نظیر علامه محمد تقی جعفری، با طرح موضوعی که در سطور قبل به آن اشاره شد، مدعی این نکته هستند که اسلام این نقطه ضعف را مرتفع کرده است.^۱

در ارتباط با هفتمین مبحثی که از ماده ۱۲ قابل استنباط است، یعنی اینکه نباید شهرت افراد مورد حمله قرار گیرد و نیز مفهوم بعدی که اگر مداخله‌هایی که در بالا به آن اشاره شد صورت گرفت، افراد حق دارند از حمایت قانون بهره‌مند شوند؛ در این بخش، اگر چه اشتراکات قابل توجهی وجود دارد، اما میان مؤمنین و سایر افراد، تفاوت‌هایی نیز قابل مشاهده است. بنابراین با توجه به آیاتی که در زیر به آن اشاره می‌شود، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که نوع نگرش و نگاه مبانی قرآنی به این مبحث، با نگاه حاکم بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، تفاوت‌هایی نیز دارد:

«و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر به جنگ برخاستند، میانشان آشتی افکنید.» (حجرات، آیه ۹). و نیز آیه: «هر آینه مؤمنان برادرانند میان برادرانان آشتی

^۱ از جمله استاد، دکتر علی اصغر کاظمی. در جلسه مشاوره‌ای که با ایشان داشتم، این نکته را مطرح می‌کردند که چگونه می‌توانیم به این مسأله قائل شویم که افرادی حقوق دیگران را رعایت نکنند، اما توقع داشته باشند حقوق آنها در جامعه رعایت شود. مثلاً افرادی دزدی کنند و غضب نمایند، اما توقع داشته باشند از همه حقوق بشر که افراد سالم و پاک و قانونمند، بر ایشان اعمال میشود بهره‌مند شوند و به نظر میرسد که این نکته از نکات اساسی است که افراد دیگری نظیر استاد دکتر کاظمی نیز به آن قائل هستند و بنظر میرسد همین موضوع، مورد توجه علامه محمدتقی جعفری نیز بوده است.

انسان‌های دیگر، مورد توجه قرار گرفته است و این مبحث از جمله مباحثی است که می‌تواند به عنوان یکی از نکات متزاحم با دیدگاه‌های حاکم بر اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شود و حتی برخی از نویسندگان، معتقدند نادیده گرفتن مبحث فضیلت، از جمله نقاط ضعف اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیدگاه حاکم بر آن است: «حقوق جهانی بشر از دیدگاه غرب، موضوع فضیلت و کرامت ارزشی برای انسان‌ها را نادیده گرفته و در هیچ یک از مواد این حقوق، امتیازی برای انسان‌های با فضیلت و با تقوا و با کرامت در نظر گرفته نشده است، ولی از دیدگاه اسلام، این امتیاز و اعلان آن برای تشویق انسان‌ها به تکامل و قرار گرفتن آنان در موقعیت شایسته زندگی اجتماعی ضرورت دارد. این بدان معنا نیست که اگر امتیازی به انسان‌های با فضیلت داده شد، اخلاقی به حقوق دیگر انسان‌ها وارد شود، همانگونه که انسان‌های صمیمی‌تر و خردمندتر و آگاه‌تر، در همه جوامع انسانی، از شایستگی انتخاب برای کارهای عالی‌تر برخوردار می‌باشند و اسلام نیز با کمال صراحت، این امتیاز را مطرح کرده است که: «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکرٍ و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن أکرکم عند الله أتقاکم» (حجرات، آیه ۱۳) (جعفری، ۱۳۸۵: ص ۵۷)

ملاحظه می‌شود در این ارتباط، تزاحماتی میان دیدگاه حاکم بر این اعلامیه جهانی و مبانی اسلامی وجود دارد و شاید انتقادی که برخی از استادان متخصص در حقوق بین‌الملل، به نحوه نگاه به مجرمان و غیر مجرمان در عرصه بین‌المللی دارند و اینکه با مفاد حقوق بشر امروز، نمی‌توان با مقولاتی نظیر تروریسم

برخورداری از پناهندگی در سایر کشورها را دارند و این حق هنگامی معنا می یابد که فرد در برابر برخی از موارد، نظیر شکنجه، تعقیب و آزار قرار گیرد. این موضوع در کل، تزامنی با مبانی اسلامی ندارد، زیرا همانگونه که در توضیح ماده ۱۲ و ۱۳ بیان شد، انتخاب محل سکونت، از جمله مواردی است که به عنوان حق افراد، به رسمیت شناخته شده است اما با توجه به اینکه مباحث مطرح شده در این ماده، نظیر شکنجه، تعقیب و آزار، در قرآن به عنوان ویژگی های حکومت نامطلوب ذکر شده است، بنابراین می توان اینگونه استنباط کرد که از این باب نیز، افراد ملزمند تغییر مکان بدهند و نه تنها از این حق برخوردارند، بلکه ملزم به انجام آن هستند. آیاتی در ارتباط با فرعون، بیان کننده همین ویژگی های شکنجه گری و آزار و اذیت است. آیاتی نظیر: «و فرعون ذی الأوتاد الذین طغوا فی البلاد» و قوم فرعون آن دارنده میخها، آنها در بلاد طغیان کردند» (فجر، آیه ۱۰ و ۱۱)؛ و نیز فسادگری و شکنجه از مواردی است که در ارتباط با حکومت فرعون مطرح شده است، در حالی که در اندیشه ی اسلامی حتی مقوله ظلم فرد به فرد نیز مقبوح شمرده شده است و به طریق اولی قباح است اجتماعی آن قابل استنباط است. اسْتَعِذُوا بِاللَّهِ... مِنْ أَنْ تَظْلِمُوا أَوْ تُظْلَمُوا؛ به خدا پناه ببرید از این که ظلم کنید و یا زیر بار ظلم بروید (نهج الفصاحه، حدیث ۲۷۸).

دومین مبحثی که از ماده ۱۴ قابل استخراج است، این است که در برخی موارد، استناد به حق درخواست پناهندگی، مجاز نیست. مواردی نظیر اینکه واقعاً جرم عمومی صورت گرفته باشد. واقعاً جرم غیرسیاسی موجب تعقیب افراد شده باشد و یا اعمالی خلاف

بیفکنید». (حجرات، آیه ۱۰) و آیه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، مبدا که گروهی از مردان گروه دیگر را مسخره کنید، شاید آن مسخره شدگان بهتر از آنها باشند». (حجرات، آیه ۱۱).

۱۳- ماده سیزدهم

در ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، پنج مبحث مورد توجه قرار گرفته است که عبارتند از: ۱. رفت و آمد اشخاص به سایر مناطق، مجاز شمرده شده است که در این خصوص، در ماده ۱۲ نیز به دلیل آیات مطرح شده در ارتباط با آن ماده، اشاره شد تزامنی میان این بخش با مبانی قرآنی وجود ندارد؛ از جمله: «ألم تکن أرض الله واسعة» «آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟». (نساء، آیه ۹۷). ۲. هر شخصی حق دارد اقامتگاه خود را خودش برگزیند که این نکته نیز با توجه به آیات ذکر شده، تزامنی با مبانی قرآنی ندارد. ۳. اشخاص در ترک هر کشور و رفتن به کشور دیگر، از حق آزادی برخوردارند. این مبحث نیز با توجه به آیات پیش گفته، تزامنی با مبانی قرآنی ندارد. ۴. هر شخص می تواند کشور خود را ترک کند که این بند نیز با مبانی اسلامی تزامنی ندارد. ۵. هر شخص می تواند پس از اینکه کشور خود را ترک کرده، مجدداً به کشور خویش بازگردد. این مبحث نیز با عنایت به آیاتی که در این ماده و ماده ۱۲ ذکر شد، تزامنی با مبانی قرآنی ندارد.

۱۴- ماده چهاردهم

در این ماده، دو مبحث عمده مطرح شده است. مبحث اول این که افراد، حق درخواست پناهندگی و

هدف‌های سازمان ملل، موجب تعقیب افراد شده باشد و یا اینکه تعقیب صورت گرفته، واقعاً در اثر اعمالی مخالف با اصول سازمان ملل متحد باشد. در خصوص این موارد، اختلافاتی میان دیدگاه اسلامی و دیدگاه حاکم بر اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد. البته مقولاتی نظیر تعقیب افراد غیر مجرم، توسط حکومت‌های جائز، در آیات قرآن قابل مشاهده است و می‌توان اینگونه استنباط نمود که در دیدگاه اسلامی، گریز از چنگال کسانی که به دنبال تعقیب و مجازات هستند، به رسمیت شناخته شده است. آیاتی نظیر: «فَاتَّبِعْهُمْ فَرْعُونَ بَجْنُودَهُ فَعَشِيَهُمْ مِنْ أَلِيمٍ مَا عَشِيَهُمْ» «فرعون با لشکرهاش از پیش آنان روان شد و دریا چنان که باید آنان را در خود فرو پوشید.» (طه، آیه ۷۸)

۱۵- ماده پانزدهم

در ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر سه نکته مطرح شده است. اول، حق برخورداری از تابعیت، دوم اینکه هیچکس نباید خودسرانه از تابعیتش محروم شود و سوم اینکه هیچکس را نباید خودسرانه از حق تغییر تابعیت محروم کرد. در این خصوص، هنگامی که میان این مباحث با مبانی اسلامی مقایسه انجام دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که از دیدگاه اسلامی، تابعیت نه در قالب سرزمین، بلکه در قالب عقیده تعریف می‌شود و البته مفاهیمی همچون دارالحراب و دارالاسلام مورد توجه قرار گرفته است، یعنی سرزمینی که متعلق به مسلمانان است و یا سرزمینی که کفار در آن حضور دارند. بنابراین این بخش از مطالب مطرح شده در ماده ۱۵، اگر چه می‌تواند مبانی فقهی هم داشته باشد و این

نکته را مطرح کند که افراد را نمی‌توان از تابعیت عقیدتی خودشان در خصوص اسلام و یا از تابعیت سرزمینشان، به جهت تعلق به دارالاسلام، محروم کرد و یا مجبور کرد که تابعیتی غیر از این تابعیت‌ها را بپذیرند، اما به طور کلی این ماده در بخش‌هایی نیز با مبانی قرآنی تزاخم دارد، زیرا فردی که تابعیت دارالاسلام را دارد، نمی‌تواند تصمیم بگیرد که تابع دارالحراب شود، پس بنابراین، تفاوت‌های میان نگرش قرآنی و اسلامی به این مباحث، با نگاه حاکم بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، کاملاً محسوس و قابل تشخیص است. ذکر این نکته ضروری است که در دیدگاه قرآنی، اصولاً بیشتر از آنچه مباحث جغرافیایی مطرح باشد، مباحث عقیدتی مطرح شده است. آیاتی نظیر: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» «هر آینه دین در نزد خدا دین اسلام است» (آل عمران، آیه ۱۹) و نیز آیه «فَإِنْ حَاجَّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَ مِنْ أَتَّبَعَنَ» «اگر با تو به داوری برخیزند بگوی من و پیروانم در دین خویش به خدا اخلاص ورزیدیم.» (آل عمران، آیه ۲۰)؛ بیانگر همین نکته است.

نتیجه‌گیری

طرح نظریه نسل‌های حقوق بشر از سوی کارل واساک بیانگر تحول نگاه غرب ایدئولوژیک به مفهوم حقوق بشر است و این که نظریه‌پردازان غربی از مبنای نسل اول که «آزادی» است به نسل دوم که مبنای آن «برابری» است تغییر مبنایی داده‌اند و سپس از نسل دوم به نسل سوم که مبنای آن «برادری» است عزیمت نموده‌اند خود عدم ثبات اجتماعات غربی در نگاه و اجرای عملیاتی حقوق بشر را آشکار می‌سازد.

چون مبنای آزادی با رویکردهای اومانستی تشریح می‌شود و این نگاه با رویکرد اسلامی که رویکردی غیر اومانستی بلکه خدامحورانه است متفاوت است. بنابراین اختلافات عمده‌ای بین نسل اول حقوق بشر در رویکرد غربی با دیدگاه‌های اسلامی وجود دارد. اگرچه سازگاری‌های قابل توجهی هم وجود دارد لیکن در کلیت نگاه اسلام به مقوله حقوق بشر با کلیت نگاه نسل اول حقوق بشر اختلافات مبنایی وجود دارد البته بررسی مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر این نکته را نیز نمایان می‌سازد که اصل آزادی ذاتی انسان در برابر سایر انسان‌ها با لحاظ مسئولیت انسان در برابر خداوند و سایر هم‌نوعان خود در اسلام مورد پذیرش است و نفی برده‌داری بر همین مبناست. و ملاک برتری آدمیان فضایل دورنی آن‌هاست نه نژاد، رنگ، جنسیت و نظایر آن‌ها و به همین ترتیب همه‌ی مفاد مطرح شده در مواد اول تا پانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر در حدی که مباحث کلی و مرتبط با کرامت و حقوق واقعی انسان‌ها مطرح شده است در اندیشه دینی اسلام نیز مورد پذیرش قرار گرفته و بر آن صحه گذاشته شده است و بر عکس مواردی که مربوط به آزادی انسان بدون در نظر گرفتن جایگاه و محوریت خداوند در جامعه و پابندی وحی و احکام الهی است در اندیشه اسلامی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و بر آن صحه گذاشته نمی‌شود. بررسی مفاد پانزده‌گانه اول اعلامیه حقوق بشر گویای عدم تزامم بسیاری از مطالب مطرح شده حقوق بشر مرتبط با نسل اول با مبانی اسلامی می‌باشد اما نباید این گونه تلقی کنیم که نگرش نسل اول کاملاً با نگرش اسلامی تطابق دارد بلکه تطابق در مطالب و مصادیق به معنای

یکسان بودن نگرش دو رویکرد اسلام و نسل اول حقوق بشر در غرب ایدئولوژیک نیست. تفاوت ماهوی این دو رویکرد مربوط به نگاه انسان مدارانه نسل اول و نگاه خدامحورانه مبانی اسلامی است. پس اصولاً برداشت و تلقی اسلام از حقوق بشر در چارچوب انسان مسئول در برابر خدا و احکام و تکالیف الهی شکل می‌گیرد در حالی که رویکرد نسل اول در فضایی سکولاریستی و با تاکید بر اومانسیم تدوین شده است ولی در عین حال از نظر مصادیق بیرونی بسیاری از مفاد و مطالب مطرح در نسل اول حقوق بشر می‌تواند تزاممی با دیدگاه‌های اسلامی نداشته باشد بلکه برعکس این مفاد قابل رهگیری در آیات قرآنی و روایات اسلامی نیز است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه (۱۳۸۶). ترجمه محمد دشتی، مشهد: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین، انتشارات سنبله.
- ۳- نهج الفصاحه (۱۳۸۳). مجموع کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات خاتم الانبیاء.
- ۴- ارکون، محمد. (۱۹۹۰). الفکر الاسلامی: نقد و اجتهاد، ترجمه هاشم صالح، لندن: دارالساقی.
- ۵- باقرزاده، محمدرضا. (۱۳۸۴). جهان‌شمولی حقوق بشر (دیدگاه مقایسه‌ای میان اعلامیه جهانی و اسلام)، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۸۴، صص ۳۸-۳.

- ۶- پورحسن، قاسم و منصور، محسن. (۱۳۸۸). بررسی مبانی اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقایسه آن با آموزه های قرآنی با تاکید بر آراء اندیش وران معاصر شیعی، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم شماره ۱۰، پاییز ۱۳۸۸، صص ۵۴-۲۳.
- ۷- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۵). حقوق جهانی بشر، تحقیق و تطبیق در دو نظام اسلام و غرب، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- ۸- خرمشاهی، بهاء الدین و فانی، کامران. (۱۳۷۶). فرهنگ موضوعی قرآن مجید (الفهرس الموضوعی للقرآن الکریم)، تهران: انتشارات ناهید.
- ۹- ذاکریان، مهدی. (۱۳۸۱). حقوق بشر در هزاره ی جدید، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۱۰- ذاکریان، مهدی. (۱۳۸۳). مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، تهران: نشر میزان.
- ۱۱- کلانتر، سید محمد. (۱۳۹۸ ق). تحقیق شرح لمعه، چ دوم، نجف: نشر جامعه النجف.
- ۱۲- عمید زنجانی، آیت الله و توکلی، محمد مهدی. (۱۳۸۶) حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۹۰-۱۶۱.
- ۱۳- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۱۴- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۱). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۱۵- مودودی، ابوالاعلی. (۱۳۸۹). حقوق بشر در اسلام (قسمت اول)، مترجم سید مجتبی حسینی الموسوی، فصلنامه فروغ وحدت، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۸-۷.
- ۱۶- مودودی، ابوالاعلی. (۱۳۸۹). حقوق بشر در اسلام (قسمت دوم)، مترجم سید مجتبی حسینی الموسوی، فصلنامه فروغ وحدت، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۸-۶.
- ۱۷- ناصری، حسین. (۱۳۸۵). سنجش بنیادهای نظری و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر با مبانی آموزه های قرآنی، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۱، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۶۶-۱۴۳.
- ۱۸- ورام، ابن ابی فراس. (۱۳۷۶ ق). مجموعه ورام، بیروت: دارالتعارف، چاپ اول.
- ۱۹- وکیل، امیر صاعد و عسگری، پوریا. (۱۳۸۳). نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، تهران: مجد.